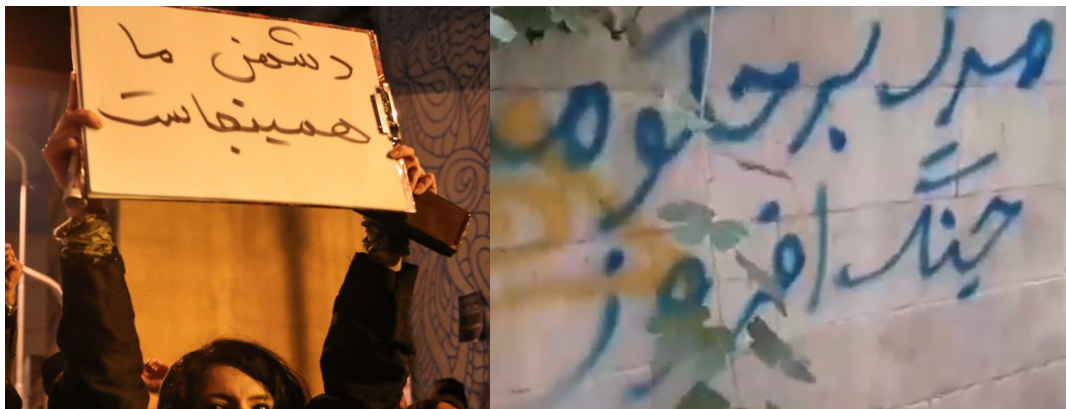


## پاسخ کارگران نفت به فضای جنگی؛ اعتصاب سراسری!

مهران محبی، صفحه ۲



### مبارزه طبقاتی عقیده نیست تپش دائمی تاریخ است (۳)

یاشار سهندي، صفحه ۵

حمله خونین نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی به آوارگان افغانستانی، جنایت دیگری علیه بشریت! صفحه ۷

ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری صفحه ۱۰

جنایت هولناک ارتش اسرائیل در بیمارستان غزه را شدیداً محکوم می کنیم! صفحه ۸

یکشنبه ۲۹ مهر: تجمعات بازنشستگان نامین اجتماعی در چند شهر صفحه ۸

سه شنبه ۲۴ مهر: اعتراضات کارگران ارکان نالت در پالایشگاه های مجتمع گاز پارس جنوبی صفحه ۱۰

دوشنبه ۲۳ مهر: تجمعات کارگران رسمی نفت در مناطق نفت خیز جنوبی صفحه ۱۱

تجمع کارکنان خدماتی بیمارستانهای و لیعصر و موسوی و تجمعات سراسری معلولین در چند شهر

جنایت کاری در پالایشگاه پارس پترو شوستر

سیاوش آذری، صفحه ۱۴

تجمع کارگران رسمی نفت در سیری و در شهرک های مسکونی جم همراه با خانواده ها

صفحه ۱۰

\*\*\*

مدیای اجتماعی

دو کارگر مصدوم آتش سوزی پالایشگاه شوستر جان باختند، صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۵۴

۳۰ مهر ۱۴۰۳

۲۱ اکتبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

عدم ایمنی محیط کار،  
خشونت ساختار سرمایه  
صفحه ۳

ادامه جنایت در معدن طبس  
شهلا دانشفر، صفحه ۱۳

کارگران در هفته ای که  
گذشت صفحه ۹

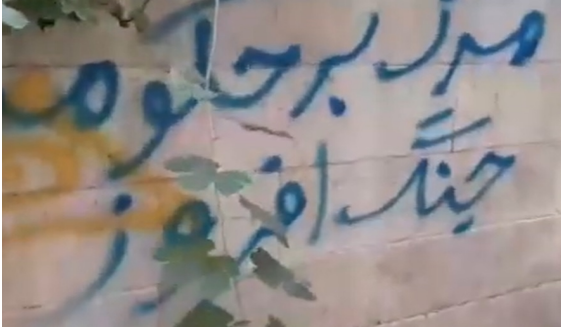
از خوزستان خبر میرسد  
صفحه ۱۲

تجمعات سراسری  
بازنشستگان مخابرات  
صفحات ۱۴۰۱۱

به حزب کمونیست  
کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi\_tamas  
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



وسیعاً از فراخوان کارگران رسمی مناطق نفت و گاز عسلویه، جم و کنگان حمایت کنیم. همه ما کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و دانشجویان مؤلف به پشتیبانی از اعتصابات و اعتراضات سراسری کارگران فراخوان دهنده به تجمع و اعتراض هستیم و به ویژه وظیفه کارگران رسمی مناطق نفتی خوزستان و همه پالایشگاه‌ها و پایانه‌های نفتی است که به فراخوان مذکور پاسخ مثبت داده و سراسری به اعتصاب بپیوندند.

این نوع اعتراضات و اعتصابات که سراسری هستند و جمعیت‌های بزرگ معترض را در بر می‌گیرند و به طور مستقیم کلیت حکومت جنایتکار و ضد انسانی جمهوری اسلامی را هدف می‌گیرند، اوضاع پر ملت‌هت‌جامعه را با حرارت روزافزونی به جوش و قلیان در می‌آورند. در این اوضاع بازنشستگان هم از همه شهرها برای چندمین بار قرار تجمع سراسری در تهران گذاشته‌اند و پرستاران در حال سازماندهی یک اعتراض سراسری در روز ۱۷ آبان، روز پرستار هستند.

این جوش و خروش اعتراضی عمومی که کارگران نفت، بازنشستگان و پرستاران فعال‌نماد و نماینده میدانی آن هستند، پاسخی درخور به جنگ افروزی حکومت نیز هست. این بخش‌های معترض در شرایطی دست به کار سازماندهی اعتراضات سراسری شده‌اند و در فضائی می‌خواهند عملاً به آن اقدام کنند که حکومت جنگ افروز تهدیدات جنگی را بر فضای جامعه حاکم کرده و باعث شده که مردم هر آن در نگرانی از حملات تلافی جویانه اسرائیل در پاسخ به حمله موشکی جمهوری اسلامی بسر ببرند.

اینگونه است که جامعه اجازه به حکومت نمی‌دهد تا سیاستها و برنامه‌های ضد انسانی‌اش را با راحتی عملی کند و به این طریق است که جمهوری اسلامی همه امیدهایش از جمله ایجاد فضای جنگی و براه انداختن جنگ برای به عقب راندن جامعه و نجات خود از سرنگونی را از دست داده است. جامعه‌ای که اجازه نمی‌دهد جنگ افروزی حکومت و تهدیدات جنگی و حمله اسرائیل، جنگ خود با رژیم را وثیقه کند، در صورت بروز جنگ نیز راه نجات از سرنگونی را بر جمهوری اسلامی خواهد بست.

حکومت از هر لحاظ درمانده و شکننده است و مجال مناسبی برای تشدید فشارها از هر جنبه‌ای بر آن مهیا شده است. وقت آن است که برای پایان دادن به گرانی و تورم و برای پایان دادن به جنگ افروزی حکومت و کنار زدن سایه تهدیدات جنگی، اعتراضات و اعتصابات را سراسری و عمومی کنیم. شعار علیه فقر و گرانی و تورم، علیه حقوق‌های ۴ برابر زیر خط فقر، علیه جنگ افروزی رژیم و علیه ماشین کشتار و اعدام که برای مرعوب کردن جامعه سرعت گرفته و علیه کشتار چند روز پیش صدها کارگر افغانستانی به دست مزدوران جمهوری اسلامی در مرز با افغانستان باید در همه تجمعات و اعتصابات سر داده شوند و به هر طریق ممکن مبارزات را از طریق شرکت مستقیم در تجمعات اعتراضی، شعار نویسی و سر دادن شعارهای شبانه، عمومی و توده‌ای کنیم.

## پاسخ کارگران نفت به فضای جنگی؛ اعتصاب سراسری!

مهران محبی

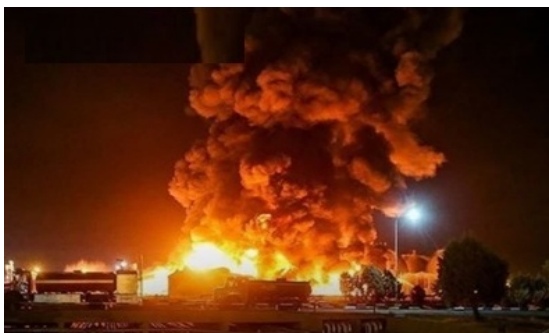
کارگران رسمی شاغل در ده‌ها مرکز عملیاتی نفت و گاز عسلویه، جم و کنگان طی اطلاعیه‌ای اعلام تجمع در روز سه‌شنبه اول آبان ۱۴۰۳ ساعت ۹ صبح در اعتراض به بی‌اعتنایی وزارت نفت، مجلس شورای اسلامی و شورای حقوق و دستمزد به مطالبات کارکنان مناطق عملیاتی نفت و همچنین در اعتراض به کسورات حقوق و مزایای کارکنان کرده و از همکاران خود در مناطق نفتی دیگر از جمله اهواز نیز خواسته‌اند تا با پیوستن به این تجمع بزرگ یادآور همدلی تجمع همزمان کارکنان عسلویه با کارکنان نفت اهواز در پنجم خرداد سال ۱۴۰۰ باشند.

کارگران عملیاتی مناطق نفت و گاز مدت‌های طولانی‌ای است که در اعتراض به شرایط معیشتی و دست‌درازی‌هایی که وزارت نفت به حقوق و مزایایشان از طریق کسورات حقوق، محدودیت سقف حقوق، تعیین سقف بازنشستگی، ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته، برداشت مالیات‌های خارج از قانون و عدم اجراء ماده ۱۰ می‌کند، روزهای دوشنبه هر هفته تجمع برگزار می‌کنند و همچنان بر تحقق مطالباتشان اصرار دارند. این کارگران که تجمعات منظم هفتگی در اعتراض به اوضاع معیشتی خود در روزهای دوشنبه هر هفته برگزار می‌کنند و علاوه بر این در همین چند هفته گذشته بارها به همراه خانواده‌هایشان در جاهائی مانند پالایشگاه گاز فجر جم تجمع و راهپیمائی اعتراضی داشته‌اند، از تجربیات ارزنده‌ای در زمینه تجمع و اعتصاب دارند و به خاطر موقعیت شغلی کلیدی‌ای که در تولید و درآمدزائی و در اقتصاد به طور کلی دارند می‌توانند با استفاده از تجربیات خود، حکومت را به طور اساسی تحت فشار گذاشته و مجبور به تن دادن به مطالباتشان کنند.

کارگران عملیاتی نفت و گاز نیز مانند همه کارگران در دیگر بخش‌های پروژه‌ای، عملیاتی و خدماتی و بازنشستگان و پرستاران که درآمد و دستمزدشان به خاطر تورم و گرانی افسارگسیخته از قدرت کافی خرید برای تأمین حداقل نیازهای اساسی زندگی ساقط شده است، به اعتصاب و اعتراض متوسل شده‌اند. این بخش عظیم از کارگران که شاهرگ‌های درآمدزائی در اقتصاد را فعال نگه داشته‌اند، خود از نظر معیشتی مانند بقیه کارگران و اکثریت مردم از تورم و گرانی رنج می‌برند و با این اکثریت پیوند و هم‌سرنوشتی دارند و در نتیجه اعتراض آنها به شرایط زندگی خود، اعتراض به شرایط زندگی اکثریت مردم هم هست.

کارگران عملیاتی و رسمی معترض نفت هم همچنانکه کارگران معترض پیمانی و ارکان ثالث نفت، کارگران معترض ماشین‌سازی اراک و غیره و بازنشستگان و پرستاران معترض با اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی جاری، زبان اعتراض عموم جامعه بوده‌اند، زبان و نماد حضور اعتراضی عموم مردم به تنگ آمده از تنگناها و مشقات و مصائبی که این رژیم جنایتکار برایشان بوجود آورده، هستند.





## عدم ایمنی محیط کار، خشونت ساختار سرمایه داری -

### حمید دائمی کارگر کارگاهی

این روزها اخبار زیادی از حوادث کار و جانباختن و مصدوم شدن کارگران منتشر می شود. گاهی در مواجهه با اخبار حوادث کار، شاید عمق فاجعه روشن نباشد. اما برای ما کارگران و مزدبگیران که در قهر جهنم عقب مانده ترین مناسبات کار زیست می کنیم، کمترین آسیب در یک حادثه مساوی با فاجعه در زندگی است.

برای دریافت تصویر بهتر می توان زندگی در قتلگاه سرمایه را به ماراتنی تشبیه کرد که دهنده- همان کارگر مفلوک- با کمترین تلنگر، از دور مسابقه- یا همان زندگی- عقب مانده و مسیر قهقرا را طی میکند. از اینرو نمی توان به آسیب ها و صدمات ناشی از کار که با نگاه کمی و کاسبکارانه نگریست. برای ما "مزدبران" هر حادثه ای اعم از مصدومیت های ساده، گاه قطع عضو و از کار افتادگی و در مواردی هم منجر به جانباختن کارگران در زمان کارمتهی می شود؛ به منزله قتل عمد از سوی سیستم تولیدی و دستگاه اداری حاکم بر آن- دولت ها- است که بر زندگی کارگران و زحمتکشان تحمیل شده است.

به این تیر دقت کنید: "حوادث کارگری در سه روز؛ ۴۶ جانباخته و ۴۱ مصدوم" (ایران وایر- ۲۶ مهر ۱۴۰۳)

آمار تعدادی از این حوادث: مصدومیت ۲۸ کارگر یک کارخانه در مقابل درب ورودی اتوبان آزادگان تهران و قطع عضو (پا) یک کارگر مرگ ۴ کارگر و مصدومیت ۵ کارگر دیگر در اثر انفجار کوره درکارخانه چدن سازان مشفق کاشان

مرگ سه کارگر و مصدومیت پنج نفر دیگر در آتش سوزی پالایشگاه پارس پترو شوستر

جان باختن یک کارگر راه آهن زاگرس در بیمارستان بر اثر سقوط از ارتفاع

جان باختن بر اثر برق گرفتگی و سقوط یک کارگر چاه کن

جان باختن یک معلم سر کلاس درس بر اثر سگته قلبی

جان باختن یک کارگر بر اثر سقوط از ارتفاع

حوادث حین کار، محصول خشونت مناسبات و ساختار سرمایه و یک جنایت آشکار است؛ و جانباختن کارگران و مزدبگیران در محیط های کار بخاطر عدم ایمنی و سودجویی سرمایه داران مفتخور در پرتو حمایت قوانین حکومتی و بساط چپاولگری حاکم، قتل عمد سیستمی است.

روشن است که اخبار و آمار مربوط به حوادث کار که پخش میشوند تنها بخش کوچکی از اتفاقاتی است که در محیط های نا امن و غیر استاندارد کار اتفاق می افتد. دلیل این موضوع هم چند گانه است. اولاً بخش زیادی از نیروی کار در شرایط غیر قانونی و خارج از کنترل و نظارت جامعه و متولیان آن، وزارت کار و سازمان های تابعه اشتغال دارند. در نتیجه عمده حوادث این محیط ها انعکاس نمی یابد و یا درصد بسیار کوچکی از آن و بشکل مبهم منتشر می شوند. بویژه برای کارگران فصلی (در صنایع، کشاورزی و باغداری) و کارگران مهاجری که در صنعت راه و ساختمان و زیر ساخت ها اشتغال دارند. درثانی، بی حقوقی ای که به کارگران در مناسبات و قراردادهای فوق ارتجاعی تحمیل می شود - حتی آنهایی که مشمول بیمه و قوانین کار هستند- فرصت انعکاس وضعیت و آسیب های ناشی از محیط و حوادث کار را از آنان سلب می کند. چرا که مادام در معرض تهدید و اخراج قرار دارند. نکته دیگر اینکه نهادها و سازمان های خبری و اطلاع رسانی، یا در خدمت سیاست ها و منافع سیستم هستند و تمایلی به انتشار اخبار صحیح ندارند و مجاری آزاد و مستقل هم دسترسی کافی به منابع خبری و همچنین اجازه انتشار اخبار و اطلاعات واقعی را ندارند.

اخبار حوادث کارگاه ها در روزهای اخیر، از پالایشگاه گرفته تا انفجار در کوره و سقوط از ارتفاع و واژگونی سرویس حمل کارگران، این بحث را جدی تر می کند که مشکل اصلی در این "قتلگاه ها" که محل کار خوانده می شوند؛ چیست و چگونه می توان مانع بروز این حوادث شد؟

مهم ترین علت حوادث و اتفاقات حین کار، نا ایمن و غیر استاندارد بودن محیط های کار به خاطر سودجویی کثیف سرمایه داران و دریغ آنها از اختصاص کمترین هزینه به این امر است. جمهوری اسلامی در پناه صنعت مذهب یکی از وحشی ترین سرمایه داری در جهان است. در این حکومت بسیاری مراکز کاری در تملک باندهای مافیایی حکومت و چپاولگر است و این خود دست کارفرمایان را در ناامنی محیط کار، این جنایت سیستماتیک در محیط های کار بازتر میکند.

زیر فشار جنبش کارگری در قانون کار ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی فصلی به ایمنی محیط کار اختصاص یافته است. ولی فقط در سطح کاغذ است و حتی وقتی کارگران صدای اعتراضشان علیه نا امنی محیط کار و هر موضوع دیگری بلند میشود با تهدید امنیتی روبرو میشود. در نمونه ای مثل کشتار در معدن طبس که ۵۲ نفر جان خود را از دست دادند، کارگرانی که شرح دقیق این جنایت را دادند و یا خانواده هایشان مورد تهدید قرار گرفتند. بگذریم که در خیلی اوقات این خود کارگران هستند که تحت عنوان بی احتیاطی مقصر شناخته میشوند و اگر هم گزارشی از ناامنی از سوی کارگران گزارش بشود، آنرا پشت گوش می اندازند تا مبادا لحظه ای کار متوقف شود و اخلاقی در سود اندازی کثیفشان ایجاد شود. در برابر این بساط چپاول و جنایت اولین اقدام اعتراض سراسری. از جمله باید تمامی موارد عدم ایمنی محیط کار از طرف کارگران اعلام و اولتیماتوم داده شود که تا وقتی موارد نقض ایمنی محیط کار رفع نشود، حاضر به کار نخواهند بود. و یا بطور مثال بر تعطیل کار بسیاری از معادن مرگبار تاکید شود.

روشن است که نا ایمنی محیط کار منحصر به صنایع و کارخانجات نیست، بلکه به شکل عمومی در همه عرصه ها رایج است. دلیل آنهم واضح است؛ سرمایه داری حاکم حاضر به هزینه کردن برای بالا بردن ایمنی در محیط های کار و در سطح جامعه نیست و تنها به سود و درآمد بیشتر فکر می کند. بعنوان نمونه، برخورد کامیون به مخزن در یک پالایشگاه و بروز آتش سوزی و مرگ و مصدومیت کارگران، هر انسانی را به این پرسش می کشاند؛ چگونه است با وجود شناخت از خطرات کار و بهره برداری از مرکز تولیدی مثل پالایشگاه، نکات ایمنی و حفاظتی رعایت نشده و فاجعه (و فجایع) مشابه رخ می دهد؟ یا چپ کردن و خارج شدن و واژگونی اتوبوس، نشان از نا ایمنی در جاده ها و خیابان ها و نیز غیر استاندارد بودن وسایل حمل و نقل در مناسبات عقب مانده سرمایه داری است که کسب سود و ارزش اضافه؛ تنها هدف فعالیت آن است و جان و امنیت کارگران برایشان اهمیت ندارد. این موارد در محیط هایی که از دید جامعه و متولیان امر خارج است، وحشتناک تر و تاسف بار تر است. مثل صنعت ساختمان و راه سازی که با کمترین امکانات و ایمنی





کارگران تحمیل کرده است. بگیر و ببند و تهدیدهای مختلف و گروگان گیری از موقعیت ضعیف نیروی کار، با اخراج و نپرداختن و معوق کردن دستمزدها در ایران، باعث کندی و ضعف در احقاق شرایط استاندارد و انسانی کار در همه عرصه ها است. این وضعیت بر ایجاد تشکلهای کارگری با اتکا به قدرت مجمع عمومی و دخالت حداکثری کارگری از جمله ایجاد نهادهایی چون شوراهای سازماندهی اعتراضی که نمونه هایش را داریم و تکثیر آنها تاکید میکند.

آخرین نکته برخورد های امنیتی و ممانعت از فعالیت نهادهای اجتماعی مدافع حقوق نیروی کار و محدود کردن دسترسی آحاد و نهادها به بستر حمایتی و دفاع از نیروی کار، ابزاری است در دستان جنایتکار جمهوری اسلامی تا در سایه این فقدان به استثمار و قتل و غارت کارگران بی دفاع ادامه داده و حساب های شخصی و جیب هایشان را پر کنند. اتحاد سراسری علیه اعدام و زندان و سرکوب قدم مهمی در مقابله با جنایت در محیط های کار و تعرضات معیشتی و کاری هر روزه جمهوری اسلامی به کارگران و کل جامعه است.

#### رفقای هم سرنوشت!

پاسخ این همه فجایع و شرایط غیر انسانی، بر هم زدن بساط کل این غارتگران است. کسانی که کمترین ارزشی برای ما؛ آفرینندگان ثروت و رفاه در جامعه قائل نیستند. جمع کردن بساط این دزدان و غارتگران، اول گام برای رهایی از شرایط اسارت بار و مرگ آفرین کار در ایران است. برای ما که بدون کار و با وجود کار کردن در حال دست و پنجه در افکندن با مرگ- چه تدریجی و چه یکباره و در حوادث کار - هستیم؛ شرط رهایی و گذر از این منجلابی که سرمایه داری برای ما رقم زده است، بخصوص از نوع دیکتاتوری مذهبی آن، اتحاد و تشکل یابی است. صدای ما در کنار هم رساتر و اثر بخش تر است. چاره ما سرنگون ساختن از طریق تشکل و اعتراض و اعتصاب علیه کلیت نظامی است که همه چیز آن بر علیه ما کارگران و مزدبگیران و علیه همه انسانیت است.

به ثمر رساندن انقلاب ما که با شعار اصلی زن-زندگی-آزادی آغاز و به سوسیالیسم منتهی می شود، نزدیک ترین راه رهایی و تحقق آرمان های ما است. این امر با پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری، مطمئن ترین راه برای پیروزی انقلابی است که بر پرچم آن آزادی و برابری و رفاه برای همگان حک شده است.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی  
زنده باد حزب کمونیست کارگری

## عدم ایمنی محیط کار، ...

از صفحه ۳

در اختیار مشتی مفت خور بنام "پیمانکار" قرار دارد و تنها چیزی که در آن تعبیه نشده، امنیت و ناامنی کارگران است.

در کنار نا ایمنی محیط کار شرایط شاق کاری خستگی و فرسودگی حاصل کار زیاد، کار در محیط های کار را فرساینده تر کرده و انجام آنرا با نا ایمنی و خطر جانی بیشتری روبرو میکند. بویژه برای رانندگان و کارگران ساختمانی و نظایر آن. به این معنا که اضافه کاری، شب کاری و غیر انسانی بودن شرایط کار در محیط های کار از دلایلی هستند که ضریب خطر جانی را بالا برده و باعث بروز حوادث ریز و درشت در کار می شوند. بدین ترتیب مالکان و کارفرمان در سایه دزد سالاری حاکم، در امنیت مطلق به بهره کشی و کشتار کارگران و مزدبگیران مشغول اند. یک نمونه اخیرش، جان باختن یک معلم سر کلاس درس بر اثر سکت قلبی است و این مشتی است از خوراها فشار و تحمیل کار سخت به مزدبگیران این جامعه.

یکی دیگر از عللی که بستر ساز غیر استاندارد شدن محیط های کار است، عدم نظارت خود کارگران بر شرایط کارشان و بویژه بر وضعیت ایمنی محیط کار و در مواردی است که به جان و سلامتی کارگران آسیب میرساند. ابعاد نکاندهنده کشتار در محیط های کار بخاطر نا امنی و فاجعه نکاندهنده ای مثل معدن طبس تاکید بر ضرورت فوری مقابله با شرایط مرگبار کار در محیط های کار است. مجمع عمومی کارگران در محیط های کار ابزار مناسب این نیاز فوری است. دولت دزدان اسلامی، سال هاست با باجگیری و بی توجهی به امنیت محیط های کار و پشت گوش اندازی همان اندک قوانین ایمنی به لغت و لیس و غارت جامعه مشغول است و تصمیمی هم برای برخورد با این موارد نداشته و تنها بدنبال دریافت حق حساب خود از مالکان محیط های کار است. از جمله در صورت بروز حادثه ای با زد و بند و دریافت "باج" یا حق حساب از مسئول حادثه، به هزار حيله و بهانه از رسیدگی و پرداخت غرامت و حمایت از حادثه دیده سر باز زده و با طولانی کردن جریان دادخواهی، موضوع رسیدگی به احقاق حق را اصطلاحاً "به وقت گل نی" محول می کنند.

فقدان بیمه های اجتماعی و قوانین حمایتی برای حادثه دیدگان یکی دیگر از مواردی است که می توان به مشکلات محیط های کار اضافه کرد. منظور عدم تأمین مناسب و حمایت همه جانبه از کارگران و مزدبگیران حادثه دیده است. در این مورد نیز، کارفرما و دولت همه ابزارهای خویش را برای دوری جستن و اصطلاحاً "پیچاندن" قضیه به نفع خویش به کار می برند. حال آنکه بیمه و تأمین اجتماعی همه جانبه از حقوق پایه ای هر کارگر مزدبگیر است.

بنابراین باز هم تاکید میکنم که نبود مراجع و نهادهای نظارتی از سوی خود کارگران و جامعه بر روند و شرایط کار در ایران یک معضل اساسی است. سرکوب فعالان و تشکلهای و ممانعت از ایجاد تشکلهای واقعی کارگری که ناظر بر شرایط کار و مدافع منافع کارگران باشند، مفری است که دست جمهوری دزدان اسلامی و کارفرمایان غارتگر را باز گذاشته و انواع و اقسام شرایط غیر انسانی و طاقت فرسا را به



## مبارزه طبقاتی عقیده نیست تپش دائمی تاریخ است (۳) - یاشار سهندی



برقرار بود، فقر و فساد نداشتیم؟" بعد هم برای محکم کاری مثال هند و پاکستان را میزند که با وجود رابطه با امریکا در فقر و فساد غوطه ورنند. تا

ثابت کرده باشد بازنشستگان فاقد درک اقتصاد سیاسی سرمایه داری هستند. انصافا چه کسی فاقد این درک است؟ و چقدر این استدلال (انشالله تصادفا!) شبیه ماله کشان جمهوری اسلامی است که همیشه تکرار کردند آیا عراق یا همین پاکستان با امریکا رابطه دارند مگر امنیت دارند، یا پیشرفت کرده اند!

بازنشستگان شعار میدهند: "کشور پر در آمد / چه بر سر تو آمد؟"، یا "ایران پر درآمد، مسئول بی لیاقت/ چه بر سر تو آورد؟" بازنشستگان تاکیدشان به غارت و چپاول از سرمایه داری اسلامی شده حاکم بر ایران است. چپ گرفتار در موهومات خویش در اینجا مدعی میشود: "این شعار فاقد درک درست از اقتصاد سیاسی سرمایه داری و درک درستی از روابط این نظام سرمایه دارانه در ایران و جهان است." این شعار: "نمی تواند توضیح دهد در درون کشور چه کسانی مسبب این همه جنایات بوده اند؟ کارگران یا سرمایه داران کشور، کدامیک؟" یعنی موضوع اینقدر پیچیده است که معلوم نیست مسببان این همه جنایت کارگران هستند یا سرمایه داران کشور؟ واقعا...! بهتر است خود سانسوری کنیم!

بازنشستگان مخابرات شعار میدهند: "مخابرات حیا کن / اینترنت را رها کن"؛ ما در این مورد اما هیچ قضایاتی نمی کنیم! عین نوشته جناب لنگرودی را در اینجا کپی میکنیم: "این شعار نیز از یک شرکت خدماتی در کشور، موجودی بی حیا ساخته است! مخابرات در ذهن مردم یک سیستم ارتباطی است. سرمایه داری این سیستم را که قاعدتاً باید در تسهیل روابط غیرحضوری مردم برای استفاده های مناسب و مفید به کار گرفته شود به عنوان یک سیستم اقتصادی سودآور با انواع محدودیت ها در استفاده از تکنولوژی های موجود و جدید به کار گرفته اند. اتفاقاً اینجا چون یک بنگاه مشخص هدف این شعار است، باید مدیران و صاحبان غاصب آن را به چالش کشید و به دولت و کارگزارانی که خلاف قانون، این بنگاه بزرگ را بدل به موسسه خصوصی سود آور کرده و آن را از مالکیت عمومی به در آوردند، هدف اعتراض قرار گیرند." فقط امیدواریم خواننده درکش از قوانین اقتصاد سیاسی سرمایه داری بالا رفته باشد!

همه اینها برای جناب لنگرودی در حکم دستگرمی بوده است. دو شعار اساسی است که اساساً نویسنده میخواهد ثابت کند مبارزه بازنشستگان فاقد "متدولوژی مبارزه طبقاتی" است.

اولی، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"؛ به گفته آسیب شناس ما "در وجه کنایی و طنز اجتماعی به درستی انتخاب شده بود. یعنی قبلاً تنها در همین وجه درست بوده اما الان نیست، چرا؟ این شعار برای مبصر بد اخلاق ما حکم "برسمیت شناختن اختلاس" است! خواننده محترم لطفاً جلوی خودش را بگیرد و هیچکاری نکند، برای درک بهتر موضوع صبر داشته باشد! این ادعا همینجور الکی نیست: در شرایط فعلی که حکومتی رانت خوار، دزد و اختلاس گر و پول شوی، بر سر کار است، (یعنی قبلاً نبوده!) سردادن شعار «به اختلاس کم بشه / مشکل ما حل میشه» اشتباه است؛ چرا که اینطور برداشت خواهد شد که معترضان کف خیابان، مضمون اختلاس را پذیرفته اند اما به کمیت آن اشکال دارند و ناراحت اند که ما چرا نتوانستیم این کنیم (لطفاً باز هم صبر پیشه کنید!) و مهم تر اینکه اختلاس، در دل یک حاکمیت نابکار و دزد، خودش مازاد فساد سیستماتیک شمرده می شود و کسی که فساد نهادینه را درک نمی کند، به طور منطقی به اختلاس و نتایج زیان بار آن توجه

نشد که کارگران در جهت احقاق حق اعتراضی را در دستور کار خود بگذارند و یک کسانی پدیدایشان نشود و کارت زرد به نشانه خطا بودن حرکت اعتراضی به کارگران ندهند که امر شما "فاقد مواضع مستقل طبقاتی!" است و این به "عدم درک متدولوژی مبارزه طبقاتی برمی گردد!" در دو نوشته دیگر با همین عنوان به موضوع مبارزه طبقاتی پرداختیم و سعی کردیم نشان دهیم که یک امر روزمره و دعوا بر سر هر چیزی در زمانی که سرمایه داری بر تمامی تار و پود جامعه گسترده شده است گوشه ای از کشمکش طبقاتی است. اما در نگاه چپی که دنیا را از دریچه تنگی که برای خود ساخته است، یک امر روتین، به یک امر سترون و نشدنی در ذهن و عمل خود تبدیل کرده است.

مقاله ای از سوی "امیر جواهری لنگرودی" با عنوان "آسیب شناسی دو شعار و نگاهی به برخی شعارها..." منتشر شده است و با عنوانی که برگزیده است به نظر میرسد که میخواهد سنگی از سر راه مبارزه کارگران و بخصوص بازنشستگان بردارد. اما در نهایت مشخص میشود در مبارزه "فروستان"، "مرد میدان" وجود ندارد تا به "وحدت و تشکیلات" منجر شود. در نتیجه همان اول تیر خلاص را به مبارزه بازنشستگان اینگونه شلیک میکند: "از خیل وسیع شعارهایی که بازنشستگان و در سال های اخیر خاصه از سال ۹۹ به این طرف در اعتراضات خیابانی خود سر داده اند..."، "کاستی" هایی وجود دارد، و به زعم ایشان موضوع بسیار حادثر از این حرفهاست، به نظر ایشان "این شعارها اغلب از موضع واکنش به مسائلی طرح شده که حکومت عمده کرده است (!؟) و فاقد مواضع مستقل طبقاتی هستند."

ایشان ابتدا از در چپالوسی بازنشستگان وارد میشود و "با احترام به بشمار بازنشستگان" آنها را "تاج سر جنبش مطالباتی" میخواند و تاکید دارد: "... با سردادن دهها شعار گزین شدهی خویش، خواب آرام حاکمیت و مزدوران ریز و درشت امنیتی و نیروهای ضد شورش را در سراسر کشور آشفته می کنند." پنج و شش پارگراف پایین تر بعد از اینکه شعارهای بازنشستگان مضر و "فاقد درک اقتصاد سیاسی سرمایه داری" میدانند و آنها را تحقیر میکند و تخطئه میکند، آن جنبشی که تاج سر جنبش مطالباتی بود را به جنبش رفع "مشکلات آکونومیستی خود" تبدیل میکند. تا اینگونه از خجالت بازنشستگان درآید: "چند روز در هفته و خاصه یکشنبه ها و دوشنبه ها که با حضور تعداد اندکی از میلیون ها بازنشسته، تجمعات پراکندهی اعتراضی شکل گرفته که تاکنون در مقابل خیل وسیع شعار های مطالباتی، به نتیجه مطلوب دست نیافته است..." و تاکید دارد که این مبارزات موجب "تفریح گزومه های دیو صفت" گردیده است: "... جمعی زن و مرد میانسال یا سالخوردهی بازنشسته با تن رنجور خود و کیسه های دارو به دست شعارهایی سر می دهند و آرام و آرام به خانه های شان برمی گردند. این برای آن گزومه های دیو صفت تفریح خاطر و برای نیروهای کلاه خود بر سر و زره بر تن، نمایشی از صف قدر قدرتی آنان را در برابر افکار عمومی در کنترل خیابان به نمایش می گذارد." اینجاست که مخاطب نوشته ایشان باید درک کند که چرا خود حکومت مسابلی را عامدانه عمده میکند!

بازنشستگان شعار میدهند: "از خوزستان تا گیلان/ ننگ بر این مدیران"؛ و این رو به رژیم اسلامی سرمایه است که تمامی کاربدستان آن جز ننگ و نفرت از مردم به نصیب نمی برند، بخاطر اینکه فقر و فلاکت را بر سر مردم آوار کردند؛ جناب لنگرودی آنرا نادیده گرفتن "بی عدالتی و ستم ... در روابط و مناسبات سرمایه داری" میداند!

بازنشستگان فریاد میزنند: "فقر و فساد همینجاست/ حرومزاده آمریکاست"؛ بازنشستگان دارند آدرس درست میدهند که فقر و فساد نتیجه کارکرد رژیم اسلامی سرمایه داران است نه نتیجه دشمنی حکومت اسلامی با امریکا. چپ ضد امپریالیست امریکای جهانخوار این را اینگونه نکوهش میکند: "آیا اگر رابطه با امریکا



فرسوده و کهنه است، که زمانی (دهه ۲۰ شمسی) تهییج کننده بود. اما این شعار در طول زمان بار تهییجی خود را از دست داده و به یک تابلو برای یک گرایش معین در جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. شعاری که اکنون پیش از آنکه در پی برداشتن سنگی از

سر راه جنبش کارگری باشد، حتی در نزد کسانی که باورش دارند به مانعی تبدیل شده است. به مانعی تبدیل شده است چون تماماً بر "آموزش سندیکایی" به کارگران تأکید دارد تا متحد و سازماندهی کردن یک مبارزه معین. در نزد ایشان برای رسیدن به وحدت و تشکیلات، اول کارگران باید یاد بگیرند که چگونه یک سندیکا شکل میگیرد، و در بندهای قانون کذایی جاری دنبال بندی باشند که تلویحاً شاید تشکل سندیکا را به رسمیت شناخته باشد بعد از کارگزاران حکومتی سرکوبگر جنبش کارگری (اگر قانع شده باشند انجمن صنفی همان سندیکا است!) اجازه گرفت تا در مکانی و دفتر و دستکی راه بیندازند و بعد...، متأسفانه شاهد هستیم که چه هزینه سنگینی بابت آن میپردازند، اما مشکل را بیش از آنکه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی سرمایه بدانند، عدم آگاهی کارگران از وضعیتی که هر روز با گوشت و پوست خود لمس میکنند، میدانند.

بازنشستگان با جا انداختن "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون" عملاً به جنبش های اعتراضی راه را نشان دادند که چاره کار اعتراض در کف خیابانها جلو چشم کل جامعه است. در همین اعتراضات خیابانی است که به نوعی مجمع عمومی هم هست و تصمیم میگیرند قدم بعدی چی باشد. در جریان همین اعتراضات است که شعارها شکل میگیرند. یک شعار ماندگار میشوند، چون انعکاس دهنده "مجموعه خصوصیات اوضاع و احوال سیاسی" یک دوره خاص است و یک شعار هم محو میشود. نمایانم جناب لنگرودی شنیدند یا نه. در همین تجمعات بازنشستگان شعار "چه اشتباه کردیم که انقلاب کردیم!" بیان میشد. اما با شکل گیری انقلاب زن زندگی آزادی و مطرح شدن دوباره ضرورت انقلاب، این شعار هم دیگر در هیچ کجا شنیده نشد.

بگذارید اشاره کنم که ایشان به شعار "تأمین اجتماعی چه اسم اشتباهی" هم معترض است. در حالی که در این شعار به صراحت بازنشسته به تشکیلاتی با اسم اشتباهی معترض است که ابزاری برای غارت زندگی کارگران است. به زعم آسیب شناس شعارها، علیه کلیت رفاه و تأمین اجتماعی است! جالب است کارگر بازنشسته ای که در کف خیابان به دنبال حق رفاه و آسایش خود است در عین حال علیه رفاه و تأمین اجتماعی خود مبارزه میکند!

بگذریم از این مطلب که ایشان در نوشته خود یک جورهایی از اسماعیل بخشی ها هم خرده و برده به دل دارد که چرا شعار ضرورت شورایی و درخواست اعتصاب سراسری در جریان کشتار کارگران معدن در طیس را مطرح کرده است که ما از آن میگذریم! ضمناً ایشان از "ترور ضد انسانی حسن نصرالله... توسط قوای سرکوبگر نتانیاها" یاد کردند که از این هم میگذریم، فقط نمیدانستیم ترور انسانی هم داریم! به بحث اصلی خودمان برگردیم. ایشان نهایتاً نوشتند: "...می باید به سوی سازماندهی و تشکل پذیری و متشکل کردن توده رنج و کار جامعه در پایگاه طبقاتی خودشان، برای رهایی و سازماندهی توده های رنج و کار جامعه پیش رفت. شعار را برای شعار نباید داد، بلکه برای بسیج توده ای و راهجویی تحکیم مبارزه ی طبقاتی باید آنرا پی گرفت."

در نوشته های قبلی اشاره کردیم که مبارزه طبقاتی برای چه سنتی یک نوع عقیده

از صفحه ۵

## مبارزه طبقاتی عقیده نیست ...

ندارد و برای همین درحد رفع مشکلات آگنومیستی خود، خواهان کمتر شدن دامنه ی اختلاس است... "خب حالا گرفتید چی شد! نه؟ خب ادامه میدهیم: .. اینگونه آدمیان به طریق اولی با فساد نهادینه شده هم کنار می آیند. به نظرم نظیر این شعارها همین طور وارد جنبش کارگری نشده اند؛ چرا که عادی سازی اختلاس و فساد از کارکردهای دستگاه فسادانگیز بورژوازی ایران است... "خب حالا گرفتید چی شد که اینطور شد! خواننده محترم الان باید کلاه خودتان را قاضی کند تا ببیند از کدام دسته "آدمیان" هست؟ وقتی این را فهمیدید آنوقت متوجه میشود که چه کسانی عادی سازی از اختلاس و فساد را چه طور وارد جنبش کارگری کردند! اگر هم کشف نکردید چیز مهمی را از دست نداده اید. فقط امیدوارم تا اینجا مقدمات علم اقتصاد سیاسی سرمایه داری به روایت چپ سنتی واقعاً مریخی را فرا گرفته باشید.

اما، اما شعار "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!" این اوج انحراف از مبارزه طبقاتی است. ایشان این شعار علیه همه آن چیزی میدانند که به آن باور دارد. برای همین سخت مخالف آن است. ایشان می نویسند این شعار "نه درمقطعی که ادا گردید، بلکه امروزاشکال اساسی تراست و به عدم درک متدولوژی مبارزه طبقاتی برمی گردد." جناب لنگرودی محکم تأکید دارد: "با صراحت برآنم: این شعار ویژگی دکماتیستی دارد؛ مطلق کردن گرفتن حق تنها و "فقط در کف خیابان" یعنی نادیده گرفتن دیگر شکل های متنوع و ممکن مبارزه که تنوع و سازمان یابی های متناسب با سطح مبارزه را از چشم انداز دور می کند. ضمناً این شعار بازنشستگان، ایشان را به یاد "موتور کوچک و موتور بزرگ" جنبش چریکی می اندازد: "به گمان من یک معنای منسوخ شده ی رابطه موتور کوچک و موتور بزرگ هم در این شعار وجود دارد. گویا همه ی آگاهان کارگری باید به خیابان بروند تا بقیه توده های مردم اگر تمایل پیدا کردند به آن ها پیوندند. این شکل برخورد نه آگاه سازی را قبول دارد و نه اعتقاد به کار توده ای و فراگیر و تشکیلات ناشی از آن را به سامان می برد. تا جایی که ما میدانیم تئوری پردازان جنبش چریکی بر "اگر" تکیه نکردند، بلکه بر حتمی بودن نتیجه کارشان مطمئن بودند که آنگونه حماسه وار به استقبال مرگ میرفتند، اما برای کسی که درک عجیب و غریبی از مکانیسم جامعه و مبارزه طبقاتی دارد، مبارزه کف خیابان که انعکاسی از آگاهی و کار توده ای است را، بی ثمر میدانند که چیزی را به سامان نمی برد.

لنین در یکی از نوشته های مشهورش به اسم در "اطراف شعارها" اینگونه می نویسد: "هر شعاری باید از مجموعه خصوصیات اوضاع و احوال سیاسی معین نتیجه گیری شود." شعار فقط کف خیابون بدست میاد حقمون، بخوبی انعکاس دهنده اوضاع و احوال سیاسی معینی است. این شعار در شرایطی شکل گرفته که با حکومتی روبرو هستیم با خشن بارترین شکل ممکن هر مبارزه ای را به خاک و خون کشیده است. فریاد کنندگان شعار فوق تأکید دارند که میتوان در همین شرایط به مبارزه و اعتراض برخاست و نه در راهروهای اداری حکومتی سرکوبگر، بلکه با انعکاس مبارزه در کف خیابان و توجه جامعه را به آن جلب کردند. پشت این شعار یک نوع سازمان دهی هم هست، که بوسیله ابزار های ارتباطی مدرن کنونی ممکن شده است. برای کسی که "همه شکل های متنوع و ممکن مبارزه و تنوع سازمان یابی" در شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات" خلاصه میشود. این شعار که در واقع مصرعی از یک شعر ابولقاسم لاهوتی است، شعاری

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست





## حمله خونین نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی به آوارگان افغانستانی، جنایت دیگری علیه بشریت! این جنایت نباید بی پاسخ بماند!

شب ۲۲ مهر ماه، ۱۴۰۳، در منطقه مرزی بین ایران و افغانستان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی یک گروه از آوارگان افغانستانی را که قصد ورود به خاک ایران داشتند به رگبار گلوله بستند. نیروهای هنگ مرزی کلگان سراوان که از پیش کمین کرده بودند با شلیک سنگین «آرپی جی» و گلوله باران مستقیم به آوارگان غیر مسلح یورش بردند. طی این حمله وحشیانه تاکنون اجساد بیش از ۲۶۰ نفر از شهروندان افغانستانی که به خاک و خون کشیده شده‌اند شمارش شده است. بیش از ۶۰ نفر مجروح هستند که حال برخی بشدت وخیم است. ده‌ها فیلم و کلیپ از جنایت هولناک به اشتراک گذاشته شده است.

این فاجعه دردناک را به خانواده‌های جان‌باختگان و همه آسیب‌دیدگان صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

این جنایت بروز دیگری از سیاست فاشیستی و اقدامات وحشیانه حکومت علیه آوارگان و کارگران مهاجر، نفرت پراکنی توسط ارتش سایبری و هشتگ سازی "اخراج مهاجرین افغان مطالبه ملی" و "مرگ بر افغانی، حملات سازمان یافته به خانه و کاشانه محقر کارگران مهاجر افغان، و افغانستانی ستیزی نژاد پرستانه‌ای است که مستقیماً توسط سران حکومت اسلامی به پیش برده میشود.

این کشتار جمعی مصداق بارز جنایت سیستماتیک علیه بشریت است. تلاش در مخفی کردن اخبار یک چنین جنایت تکان دهنده‌ای بخش دیگری از سناریوی خونینی است که توسط سران جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شده است.

کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد «UNHCR» در این برهه

حساس باید بدون درنگ با دخالت اضطراری در این موضوع، به این جنایت رسیدگی کند. و اجازه ندهد جمهوری اسلامی با مخفی کردن و مخدوش کردن حقایق دستان خونین خود را پنهان کند. جان باختگان و مجروحین باید شناسایی شوند و بتوانند با شکایت از جمهوری اسلامی حق خواهی کنند. و آمران و عاملان این آتش‌باری نفرت‌انگیز باید در مجامع رسمی بین‌المللی به محاکمه کشیده شوند.

مردم آزادیخواه و انساندوست ایران

برای دفاع بی‌قید و شرط از حرمت انسانی مهاجرین افغانستانی باید وسیعاً به این جنایت در همه جا و در هر شکل ممکن اعتراض کنیم. پذیرفته شدن حق پناهندگی، امنیت جانی و حرمت انسانی آوارگان و مهاجرین افغانستانی و به رسمیت شناسایی حق شهروندی، حق مسلم آنان است. از همه تشکلهای کارگری، تشکلهای مردم نهاد، نویسندگان و هنرمندان و همه مردم انساندوست ایران می‌خواهیم که علیه این جنایت هولناک اعتراض کنند. این جنایت نباید بی پاسخ بماند! مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۳ - ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴

نیست جز اینکه گوینده شناخت بسیار کج و معوجی از جامعه و کارکرد نظام سرمایه داری و به طبع از طبقه کارگر دارد.

اکثر شعارهای بازنشستگان انعکاسی از چپ اجتماعی است که به نظام سرمایه داری نقد دارد. "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، تماماً اعتراضی به نظام مافیایی سرمایه داری غارتگر حاکم بر ایران. "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، انعکاس آن جنبشی است که نقش توده مردم در تصمیم گیری برای اداره زندگی را شرط اول و آخر اداره جامعه میداند، یعنی اداره شورایی؛ و این درست خلاف تبلیغات و خواست سرمایه داری حاکم نه تنها بر ایران، بلکه کل جهان است.

بازنشستگانی که در سرما و گرما، زیر نگاه سرکوبگران و گاهای زیر ضرب و شتم آنها به اعتراض دست میزنند، گوشه‌ای از کشمکش طبقاتی را به نمایش میگذارند که اکنون آشکار شده است. اینکه مبارزه طبقاتی چه نقشی در تاریخ دارد، اینکه کسانی با هم بحث میکنند که ایشان اصولاً جز طبقه کارگر هستند، و پایگاه طبقاتی اش را گم کرده است یا خیر ابداً برایشان مهم نیست و به سلامت عقل گوینده آن شک میکند. "متدولوژی مبارزه طبقاتی" خیلی ساده و روشن است. کشمکش بر سر هر خواسته‌ای از سوی هر کسی در این زمانه ما که سرمایه داری بر همه شئون زندگی در سراسر کره زمین مسلط شده است مبارزه علیه نظام طبقاتی سرمایه داری است.

از صفحه ۶

## مبارزه طبقاتی عقیده نیست ...

است و جمله آخری جناب لنگرودی بخوبی این را انعکاس میدهد. برای کسانی که در صدد تحکیم مبارزه طبقاتی و سازماندهی توده رنج و کار در پایگاه طبقاتی خودشان است هیچ وقت مشغله اش چگونگی سازماندهی کردن مبارزات جاری نیست. طبقه کارگر در نزد او موجودی مهجور است که باید دستش را گرفت و آموزش اش داد. گویا باید اول برای بازنشستگانی که شکمش گرسنه است و سرپیری و بیماری دستش به هیچ جا بند نیست، اول درس اقتصاد سیاسی گذاشت و در عین حال روحيات احتمالاً "خرده بورژوازی" را در نزد ایشان سرکوب کرد که چون خود نمی‌توانند اختلاس کنند، برای "رفع مشکلات اکونومیستی خود" معترض هستند!

هیچ درکی از اقتصاد سیاسی سرمایه داری کمکی به کسی نمیکند که "توده رنج و کار" را که در کشمکش دائمی طبقاتی است خارج از پایگان طبقاتی خودشان نبیند. برای همچنین کسانی مبارزه طبقاتی یک باور است، یک عقیده است، یک نوع آگاهی است که سر دانستن آن هم منت سر بقیه دارند. گویا رازی است که باید به درون طبقه ای برده شود که از همان روز اول بخاطر موقعیت اجتماعی خودش و طرف مقابلش، در دو طبقه متفاوت در کشمکش دائمی است. بیان اینکه بازنشستگان از روابط سرمایه دارانه و اقتصاد سیاسی سرمایه داری درک درستی ندارند بیان هیچ چیزی

# زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

## جنایت هولناک ارتش اسرائیل در بیمارستان غزه را شدیداً محکوم می کنیم!

حمایت جمهوری اسلامی داعیه نابودی اسرائیل را دارند. خاورمیانه با وجود چنین نیروهای فاشیست و ارتجاعی همواره با بحران، جنگ و یا خطر جنگ و کشتار روبرو خواهد بود.

تنها راه پایان دادن به این اوضاع، کوتاه کردن دست نیروهای ارتجاعی از زندگی و مقدرات مردم در اسرائیل، فلسطین و لبنان و ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران تلاش می کند که با سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم و از میان برداشتن سرمنشا تروریسم اسلامی در منطقه شرایط را به نفع مردم همه این کشورها تغییر دهد.

کلید پایان دادن به جنگ و کشتار مردم بی دفاع در منطقه در دست خود مردم است که در همه جا به میدان بیایند و با کنار زدن نیروهای ارتجاعی سرنوشت دیگری برای خود رقم بزنند. در حال حاضر مردم زیادی در اقصی نقاط جهان به جنایات اسرائیل در غزه و لبنان اعتراض می کنند. پشتیبانی از جنبش های مردمی مترقی در لبنان، فلسطین و اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه، بویژه حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی، اقدام موثری است که می تواند بطور فعالتری اوضاع هولناک منطقه را به نفع انسانیت تغییر دهد. ما همه مردم جهان را به حمایت از جنبش های ترقی خواهانه مردمی برای به زیر کشیدن حکومت های ارتجاعی و کنار زدن نیروهای تروریسم اسلامی در منطقه فرا می خوانیم.

۲۵ مهر ۱۴۰۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ - حزب کمونیست کارگری ایران

مشاهده انسانی که در پی حملات اخیر جنایتکارانه دولت اسرائیل به مجتمع بیمارستان الاقصی در مرکز غزه و یک اردوگاه چادری در مجاورت این بیمارستان بطور فجیعی در شعله های آتش سوختند و یا به شدت آسیب دیدند، بسیار تکان دهنده است و دل هر انسانی را به درد می آورد.

ارتش اسرائیل تحت عنوان مبارزه با حماس و یا حزب الله، بیمارستانها، مدارس و مراکز غیر نظامی را به دفعات مورد حمله خود قرار داده است. این حملات باعث کشتار هولناک مردم بی دفاع و غیر نظامی و آوارگی میلیونی مردم در غزه و اخیراً در لبنان شده است. حتی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان از این حملات در امان نبوده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران حملات جنایتکارانه ارتش اسرائیل به مراکز غیر نظامی و مردم بی دفاع در غزه و لبنان را شدیداً محکوم می کند. ما در همان حال حملات موشکی حزب الله و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی اسرائیل را محکوم می کنیم. حزب کمونیست کارگری ایران از توقف جنگ و کشاکشهای نظامی در لبنان و فلسطین حمایت میکند و از همه مردم و دولتها می خواهد که به دولت اسرائیل و گروههای اسلامی فشار بیاورند که حملات نظامی خود به مردم بی دفاع را فوراً متوقف کنند.

شرایط هولناک کنونی در غزه و لبنان از یکطرف حاصل سیاستهای راست افراطی و فاشیست حاکم در اسرائیل است و از طرف دیگر به گروگان گرفته شدن زندگی مردم در لبنان و غزه توسط نیروی های تروریست اسلامی حماس و حزب الله که با

## یکشنبه ۲۹ مهر: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر



اصلاح ضریب متناسب سازی بازنشستگان سال ۸۶ و ۸۷، و حذف ماده ۶۹ تامین اجتماعی یا تسری آن به کلیه بازنشستگان همکار و غیر همکار.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد همچون هفته های گذشته در اصفهان و دامغان و بازنشستگان زغال سنگ در کرمان تجمع داشتند. بازنشستگان فولاد در اهواز شعار می دادند: "ای دولت دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "فولادی دادبزن/حقوقت یادبزن"، "تمام پوله دولت برای اختلاسه، پول نداره این دولت برای بازنشسته". اعتراضات در میان بخش های مختلف کارگری گسترده است. روز گذشته ۲۸ مهر نیز اپراتورهای شرکتی برق شاعل بار دیگر در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایای شغلی خود و سطح نازل دستمزدهایشان مقابل ساختمان وزارت نیرو دست به تجمع زدند.

تعداد کارگران اپراتور، دست کم به ۴ تا ۵ هزار نفر می رسد. طبق گزارشات فاصله دریافتی یک کارگر شرکتی با یک کارگر رسمی در یکسال حداقل حدود ۱۰ میلیون تومان است. کارگران پیمانی برق با عناوین شغلی اپراتور در پست های برق انتقال و فوق توزیع با میانگین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کاری کمترین دریافتی را در بین دیگر کارگران دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۹ مهر ۱۴۰۳، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴

روز بیست و نهم مهرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراضی در شهرهای اهواز، شوش تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفت تپه جمع شده و با راهپیمایی و فریاد شعار "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید داشتند.

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار میدادند: "نان گران، دارو گران. در حسرت یک لقمه نان"، "وزیر رفاه با دولته، دستش تو جیب ملته"، "دروغ میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست"، و "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه".

این بازنشستگان با بنر درمان رایگان حق مسلم ماست و شعار "بیمه های تکمیلی دزدیهای تحمیلی" علیه بیمه های تکمیلی و محرومیت خود از درمان صدای اعتراضشان را بلند کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و بساط اختلاسها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان تامین اجتماعی در عین حال مطالباتی فوری دارند که میتواند بهبودی در سطح دریافتی های آنها ایجاد کند. این مطالبات عبارتند از: پرداخت ۲۵ درصد باقی مانده از متناسب سازی سالهای قبل، اجرای مفاد ۱۱۱ و ۹۶ تامین اجتماعی، اجرای دائمی متناسب سازی سالهای قبل، پرداخت عیدی همانند کارگران شاعل، پرداخت حق عائلهمندی به بانوان مستمری بگیر، پرداخت مزایای حق اولاد و مسکن مانند کارگران، حذف دو درصد ماده ۸۹،





## کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۳۰ مهر:

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های دیگر در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالباتشان و برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند و در جاهایی چون اهواز و کرمانشاه دست به راهپیمایی زدند. تجمعات بازنشستگان مخابرات در این روز از جمله در شهرهایی چون رشت، بیجار، اهواز، کرمانشاه، ایلام، تبریز، برگزار شدند.

یکشنبه ۲۹ مهر:

- بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراضی در شهرهای اهواز، شوش تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفت تپه جمع شده و با راهپیمایی و فریاد شعار "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید داشتند.

- بازنشستگان فولاد همچون هفته های گذشته در اصفهان و دامغان و بازنشستگان زغال سنگ در کرمان تجمع داشتند.

- اپراتورهای شرکتی برق شاغل بار دیگر در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایای شغلی خود و سطح نازل دستمزدهایشان مقابل ساختمان وزارت نیرو دست به تجمع زدند. تعداد کارگران اپراتور، دست کم به ۴ تا ۵ هزار نفر می رسد.

شنبه ۲۸ مهر:

- پرستاران و کارکنان درمانی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت کامل تعرفه، کارانه و اضافه کار و بی پاسخ ماندن خواستههایشان مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. آنها شعار میدادند: «وعده وعید کافیه! سفره ی ما خالیه!» "اضافه کار اجباری، نمیخوایم، نمیخوایم"

جمعه ۲۷ مهر:

- کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. کارگران رسمی در مناطق نفت خیز جنوب روزهای دوشنبه را به روز اعتراض ثابت خود تا پاسخگویی به خواستههایشان تعیین کرده اند.

- دو کارگر مصدوم انفجار پالایشگاه پارس پترو شوستر روز جمعه ۲۷ مهرماه در بیمارستان طالقانی اهواز جان باختند. این دو کارگر ۳۷ و ۳۹ سال سن داشتند که در جریان انفجار و حریق روز ۲۴ مهر آسیب دیده بودند جان خود را از دست دادند. در این حادثه ۷ نفر از کارگران پالایشگاه مصدوم شده بودند. زیر فشار اعتراض کارگران فرماندار شوستر روز بعد از انفجار اعلام کرد که دلیل این آن رعایت نکردن مسائل ایمنی و «سوخت گیری نا ایمن ماشین حمل سوخت بوده است. بدین ترتیب باز هم جنایتی دیگر روی داد و سه کارگر پترو شوستر قربانی عدم ایمنی محیط کار محیط کار بخاطر سودجویی سرمایه داران مفتخور که در پناه قوانین و بساط سرکوب حکومت حامی خود هر روز جنایت میکنند، شدند.

پنجشنبه ۲۶ مهر:

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بیانیه ای در رابطه با ادامه روند سرکوب معلمان و فعالان صنفی در آغاز سال تحصیلی جاری صادر کرد و در آن احکام احضار، اخراج، بازداشت و زندان و هر نوع برخورد با معلمان شاغل و بازنشسته و دانشجویان را شدیداً محکوم نمود. در این بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به حاکمیت هشدار میدهد که در صورت تداوم این روند برای دفاع از همکاران خود دست به تجمعات گسترده و سراسری خواهند زد.

چهارشنبه ۲۵ مهر:

- کارکنان خدماتی بیمارستان های "ولی عصر" و "موسوی" در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و سطح نازل دریافتی ها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

- معلولان کشور در شهرهای مختلفی چون تهران، کرمان، اردبیل و اهواز در اعتراض به وضع مشقت بار معیشتی، محرومیت از درمان رایگان و با کیفیت و عدم اجرای قانون "حمایت از حقوق معلولان" و سایر مطالبات معوقه خود دست به تجمعاتی زدند. یک خواست فوری معلولین تعیین بودجه لازم برای اجرای کامل ماده ۲۷ قانون معلولان در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است.

سه شنبه ۲۴ مهر:

- کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی دست از کار کشیده و با برپایی تجمعات و فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود شدند.

- ۳۲ نفر جمعی از کارگران پیمانکار شاغل در شرکت اردیبهشت شرق، کارخانه فروکروم جغتای بعد از سه سال کار ورود ممنوع و اخراج شدند. کارگران به این اخراجها اعتراض دارند.

دوشنبه ۲۳ مهر:

- کارگران رسمی در مناطق نفت خیز جنوب در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در مراکز مختلف نفت دست به تجمع زدند و خواستههای اعلام شده خود را پیگیر شدند. مراکزی که امروز این کارگران تجمع داشتند عبارتند از: کارگران رسمی مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC، نفت و گاز پارس سکویهای ۴۰ گانه POGC، شرکت نفت و گاز پارس، عسلویه (سایت ۱)، شرکت نفت و گاز پارس، کنگان (سایت ۲)، پالایشگاه گاز فجر، جم، و سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری.

- کارگران رسمی پالایشگاه گاز فجر جم با شعار "خواسته ما یک کلام، مزد تمام، والسلام" دست به راهپیمایی زده و صدای اعتراضشان را بلند کردند.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات سراسری و در شهرهایی چون تهران، اصفهان، تبریز، سنندج، اهواز، بروجرد، خرم آباد، میوان، همدان، رشت، اردبیل، کرمانشاه، ایلام، شیراز و مناطق دیگری برگزار شدند.



## سه شنبه ۲۴ مهر: اعتراضات کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های مجتمع گاز پارس جنوبی



امنیت شغلی برای آنان، و اجرایی شدن بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث و پیمانی نفت ضمن گزارش این اعتراضات و اعلام حمایت خود از تجمعات کارگران ارکان ثالث و رسمی بر گسترش اعتراضات بخش های مختلف نفت و جمع کردن بساط پیمانکاران مفتخور غارتگر و اختلاسها و مقابله با تعرضات معیشتی و کاری خود تاکید کرده است.

تعیین روزهای اعتراضی ثابت سه شنبه از سوی کارگران ارکان ثالث و دوشنبه از سوی کارگران رسمی نفت در مناطق نفت خیز جنوب و نیز شرکت فعال خانواده ها در اعتراضات کارگران رسمی ابعاد اجتماعی و استمرار اعتراضات در نفت را به نمایش میگذارد و تکثیر سراسری آن تقویت کننده اعتراضات در سراسر نفت خواهد بود. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات بخش های مختلف کارگران نفت و اعتراضاتشان حمایت و پشتیبانی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۴ مهر ۱۴۰۳، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۴

امروز ۲۴ مهر کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی دست از کار کشیده و با برپایی تجمعات و فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود شدند. بر اساس گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) از روز گذشته با اعتصاب کارگران رسمی که از صدور پرمیت (مجوز کار در مناطق عملیاتی پالایشگاه ها) بصورت اعتراضی امتناع کردند، کارگران ارکان ثالث نیز در هماهنگی و اتحاد دست از کار کشیدند. در پالایشگاه هایی که از تجمعات این کارگران جلوگیری به عمل آمد، اعتراض آنها بصورت تعطیلی کامل در آمد. طبق این گزارش مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری در مجتمع گاز پارس جنوبی عبارتند از:

حق تشکّل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط حجت رضایی از کارگران پارس جنوبی، یاسر احمدی نژاد و هرمزی از کانرگران ملی حفاری و پایان دادن به برخوردهای امنیتی با کارگران معترض، عمل به توافقات قبلی علی الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است.

- اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و همتراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد

## تجمع کارگران رسمی نفت در سیری و در شهرک های مسکونی جم همراه با خانواده ها



اعتراضاتشان دست به تجمع و اعتراض زدند. اعتصاب این کارگران بخاطر وضع بد معیشتی و کاریشان از هجدهم مهر ماه آغاز شده و هنوز ادامه دارد. بنا بر خبرها در این اعتصاب بخش بارگیری هم تعطیل شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ مهر ۱۴۰۳، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴

امروز بیستم مهرماه کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره در سیری برای پیگیری خواستههایشان تجمع کردند. در همین رابطه روز نوزدهم مهرماه کارگران رسمی ساکن در شهرک های مسکونی جم به همراه خانواده های خود دست به تجمع راهپیمایی زدند. حضور خانواده ها در تجمعات کارگران رسمی نفت بعدی اجتماعی تری به مبارزات آنها میدهد. کارگران در بخش های مختلف نفت میتوانند این الگو را بدست گیرند و به اعتراضات خود قدرت ببخشند. اهم خواستههای این کارگران عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حقوق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده.

در این روز همچنین کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی بافق یزد در ادامه

## ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری



روز جمعه ۲۷ مهر کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. کارگران رسمی در مناطق نفت خیز جنوب روزهای دوشنبه را به روز اعتراض ثابت خود تا پاسخگویی به خواستههایشان تعیین کرده اند. اهم مطالبات همکاران رسمی:

- ۱- حذف کسورات ناعادلانه و پرداخت کامل حقوق مزایایی قانونی که موجب بی انگیزگی گسترده در منابع انسانی گردیده
- ۲- حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات
- ۳- مرجوع نمودن مالیات های اخذ شده طبق قوانین موجود
- ۴- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن

۵- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های ورشکسته

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴



## تجمع کارکنان خدماتی بیمارستانهای و لیعصر و موسوی و تجمعات سراسری معلولین در چند شهر



درمان رایگان حق مسلم آنها و همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴

-امروز ۲۵ مهر کارکنان خدماتی بیمارستان های "ولی عصر" و "موسوی" در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و سطح نازل دریافتی ها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. در رابطه با این موضوع پرستاران و کادر درمان اعتراضات بسیاری داشته و همچنان پیگیر مطالبات خود هستند.

در این روز همچنین معلولان کشور در شهرهای مختلفی چون تهران، کرمان، اردبیل و اهواز در اعتراض به وضع مشقت بار معیشتی، محرومیت از درمان رایگان و با کیفیت و عدم اجرای قانون "حمایت از حقوق معلولان" و سایر مطالبات معوقه خود دست به تجمعاتی زدند. در تهران آنها در مقابل ساختمان ریاست جمهوری حکومت در خیابان پاستور، در کرمان و اردبیل مقابل بهزیستی و در خوزستان مقابل استانداری تجمع داشتند. یک خواست فوری معلولین تعیین بودجه لازم برای اجرای کامل ماده ۲۷ قانون معلولان در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و اعتراضات معلولین قاطعانه حمایت میکند.

## تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف



نمی خواهیم، نمی خواهیم!؛ نه سازش نه تسلیم اجرای آئین نامه"، "بازنشسته داد بزن، حقوقت فریاد بزن"، و "حقوق بازنشسته، فقط برای یک هفته!".

در تهران برای پراکنده کردن بازنشستگان مزدوران حکومت از طبقه دوم ساختمان مرکزی سردار جنگل بر سر بازنشستگان معترض آب پاشیدند و تلاش کردند آنها را از اعتراض بازدارند. اما بازنشستگان با فریاد شعارهایشان تجمع خود را ادامه دادند.

ستاد اجرایی فرمان امام و تعاون سپاه پاسداران مالکیت شرکت مخابرات ایران را در تصاحب دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۴۰۳، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۴

امروز ۲۳ مهر بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات سراسری و در شهرهایی چون تهران، اصفهان، تبریز، سنندج، اهواز، بروجرد، خرم آباد، میوان، همدان، رشت، اردبیل، کرمانشاه، ایلام، شیراز و مناطق دیگری برگزار شدند.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "مطالبات پزشکی، حق مسلم ماست"، "اجرای آیین نامه، حق مسلم ماست"، "بیمه بی فرانشیز، حق مسلم ماست"، "سهمدار ظالم، حق ما ها را خورده"، "ستاد اجرایی، حق ما ها را خورده"، "بنیاد تعاون، حق ما ها را خورده"، "تا حق خود نگیریم، دوشنبه ها می آیم"، "فقر، فساد، تورم، بلای جان مردم"، "شرکت شده صد پاره، بخور بخور تو کاره"، "مدیر سپاهی

محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان. اعتراضات در نفت گسترده است بخشهای مختلف نفت به تناوب دست به تجمع و اعتراض میزنند. صدای این کارگران را وسیعا بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۳ مهر ۱۴۰۳، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۴



## دوشنبه ۲۳ مهر: تجمعات کارگران رسمی نفت در

### مناطق نفت خیز جنوبی

بنا بر گزارشهای منتشر شده روز ۲۳ مهر کارگران رسمی در مناطق نفت خیز جنوب در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود در مراکز مختلف نفت دست به تجمع زدند و خواستهای اعلام شده خود را پیگیر شدند. مراکزی که امروز این کارگران تجمع داشتند عبارتند از: کارگران رسمی مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC، - نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC، - شرکت نفت و گاز پارس، عسلویه (سایت ۱)، - شرکت نفت و گاز پارس، کنگان (سایت ۲)، پالایشگاه گاز فجر، جم، و سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری.

کارگران رسمی پالایشگاه گاز فجر جم با شعار "خواسته ما یک کلام، مزد تمام، والاسلام" دست به راهپیمایی زده و صدای اعتراضشان را بلند کردند.

اهم خواستهای کارگران رسمی نفت عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف



## از خوزستان خبر میرسد؟

۲۰ تا ۲۷ مهر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۷ مهر

- بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مختلف از جمله در اهواز و شوش در ادامه یکشنبه های اعتراضی خود فراخوان به تجمع داده اند. یک تاکید بازنشستگان در اعتراضاتشان اعتراض به سرکوبگریها و آزادی کارگران زندانی و از جمله آزادی اسماعیل گرامی بازنشسته زندانی است.

پنجشنبه ۲۶ مهر

- حکومت اسلامی همچنان به کشتارهایش از زندانیان ادامه میدهد. انتقال چهار زندانی سیاسی محکوم به اعدام از جمله "علی مجدم"، "معین خنفری"، "محمدرضا مقدم" و "عدنان غیبشای (موسوی)" در روز سه شنبه ۲۴ مهر به منظور اجرای حکم اعدام از زندان شیپان اهواز به سلول های انفرادی در زندان سپیدار، با واکنش های اعتراضی بسیاری روبرو شده است. بر اساس اخبار منتشر شده در این روز، همزمان با انتقال این چهار زندانی اداره وزارت اطلاعات اهواز تعدادی از زندانیان سیاسی محکوم به ابد، به اسامی سید یابر البوشوکه، عبدالامام زایری، محمدعلی عموری و یحیی ناصری را که در زندان شیپان محبوس هستند به مدت دو ساعت مورد شکنجه و بازجویی قرار داده است. هدف از این بازجویی ها بررسی وضعیت زندانیان و جلوگیری از بروز اعتراضات احتمالی در زندان، بدنبال اعدام چهار نفر نامبرده است.

- سامانه پایش کیفی هوای ایران اعلام کرد که امروز پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ هوای ۱۰ شهر در استان خوزستان آلوده است و وضعیت پنج شهر «ناسالم (و) قرمز» گزارش شده است. تخریب محیط زیست، آلودگی هوا و محرومیت از آب سالم از موضوعات اعتراضی مردم در خوزستان است.

چهارشنبه ۲۵ مهر

- مهران قوه باغی، زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز، با وجود وضعیت جسمی نامساعد، و علیرغم درخواست مکرر وی برای درمان از دریافت خدمات تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی محروم است. او مدت هاست از درد شدید چشم رنج می برد و تنها معاینات سطحی و تجویز قطره چشمی برایش انجام شده است. محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه های جنایتکارانه حکومت در زندانهاست.

- جاسم مقدم زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز، پس از پایان دوران محکومیت قبلی خود با پرونده جدیدی مواجه شده که مانع از آزادی وی شده است. او در ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت و به کلاتری اهواز منتقل شد. در آنجا تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفت و بابت اتهام "همکاری با رسانه های معاند و توهین به خامنه ای" تهیم اتهام و به دو سال حبس محکوم شد. بعد از آن در دوم خرداد سال گذشته پرونده دیگری برای وی تشکیل شد و در این پرونده به محاربه و بغی متهم شده است. اما دادگاهی برای وی تشکیل نشده است و اکنون علیرغم پایان دوران محکومیت قبلی خود همچنان در زندان است و در شیپان اهواز بسر میرسد.

- حوالی ساعت ۱۰ شب وقوع انفجار تانکر و آتش سوزی در هنگام سوختگیری در

محیط های کار هر روز قربانی میگیرد. در انفجار تانکر و آتش سوزی در پالایشگاه پترو شوشتر در شهرک صنعتی شماره یک این شهرستان سه کارگر جانباختند و ۶ نفر مصدوم شدند.



پالایشگاه پترو شوشتر، واقع در شهرک صنعتی شماره یک این شهرستان منجر به قتل یک کارگر و مصدومیت ۶ نفر دیگر شد. جان باختن این کارگر را به خانواده اش و به همگان تسلیت میگوییم.

طبق گزارشات، سه نفر از مصدومین این انفجار بدلیل جراحات و سوختگی ۹۰٪، ۸۰٪ و ۳۰٪، به بیمارستان سوانح سوختگی طالقانی اهواز منتقل شده و حالشان وخیم است. در رابطه با این انفجار محسن قلی زاده، مالک پالایشگاه پارس پترو شوشتر، با گفتن اینکه آنها در حال بررسی دقیق میزان خرابی در پالایشگاه هستند از اینکه حدودا ۷۰ درصد مخازن و ماشین آلات از بین رفته اند سخن میگوید و از امکان راه اندازی خط اول پالایشگاه برای دو ماه دیگر خبر میدهد. در حالیکه کارگران قربانی نا ایمنی محیط کار شده اند، مدیر عامل بیرحم و جنایتکار پترو شوشتر نگرانی اش خوابیدن تولید است. جالب اینجاست که در همین رابطه وزیر نفت با گفتن اینکه پتروشیمی غیر دولتی است تلاش میکند که خود را از زیر بار مسئولیت چنین جنایتی کنار بکشد و با وقاحت تمام راننده تریلی را مقصر خوانده و از اینکه آمار آخرین مصدومان را ندارند، خبر میدهد. این اظهارات همدستی دولت با کارفرمایان مفتخور را در عدم ایمنی محیط کار و جنایت هر روزه ای که در محیط های کار صورت میگیرد و از کارگران قربانی میگیرد به روشنی نشان میدهد. باید کل بساط جنایت و توحش سرمایه داری حاکم را جارو کرد.

- بنا بر خبرها حیدر دهقان پور کارگر نگهبان خطوط راه آهن اندیمشک که پنج روز قبل هنگام گشت زنی در حوالی تونل شماره ۱۰ بلاک تله زنگ - شهبازان این شهرستان از پرتگاه به پایین سقوط کرده بود، متاسفانه در بیمارستان جان خود را از دست داد. در گزارش این خیر شورای بازنشستگان ایران مینویسد: "حادثه ها برای مردم است. مسئولین جدا از مردم، جدا از حوادث هستند. شرایط کار برای کارکنان طوری شده کسی که مشغول کار و فعالیت است باید منتظر حادثه باشد. مرگ و آسیب شده بخشی از کار!!!!"

- حکم یک زندانی به نام رامین محمودوند که با اتهام "قتل عمد" به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده بود، در زندان دزفول به اجرا درآمد. بدینگونه یکی دیگر از قربانیان این سیستم سراپا فقر و بردگی بدست حکومت به قتل رسید.

- معلولان کشور در چندین شهر از جمله در شهر اهواز در خوزستان در اعتراض به وضع مشقت بار معیشتی، محرومیت از درمان رایگان و با کیفیت و عدم اجرای قانون "حمایت از حقوق معلولان" و سایر مطالبات معوقه خود دست به تجمعاتی زدند.



## ادامه جنایت در معدن طبس - شهلا دانشفر

در حالی که در فاجعه معدنجوی طبس ۵۲ کارگر جان خود را از دست دادند، محمد بهمنی، کارگر آسیب‌دیده این معدن می‌گوید: «همان معدن دوباره راه افتاده و کارگران در همان جا مشغول کار هستند. با این حال که هنوز بخشی از کارگران در بستر بیماری هستند و معدن با همان وضعیت مشغول کار است. پیمانکار و مسئولین همه مشغول کار هستند و کسی تغییر نکرده است.»

بدین‌گونه جنایت در این معدن ادامه دارد. معدنی که زیر مجموعه هلدینگ اقتصادی گل‌گهر و بانک سپه، وابسته به بنیاد مستضعفان و تحت نظر خامنه‌ای که زیر چتر حفاظتی مافیایی این بنیاد پیمانکار و مسئولینش علی‌رغم ارتکاب چنین جنایت هولناکی سر جایشان نشسته و مشغول ادامه ثروت‌اندوزی کثیفشان هستند و کارگران را به کام مرگ می‌فرستند.

فاجعه معدن طبس با موجی از اعتراض همراه شد. خانواده‌های کارگران جان‌باخته از ابعاد این جنایت پرده برداشته و دادخواه‌اند. کارگران این معدن و معدنی چون طزره با اعتصاب و تجمع خواستار پیگرد مسیبن این جنایت شدند. تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی و زندانیان سیاسی از درون زندان‌ها طی بیانیه‌هایی این کشتار وحشیانه را محکوم و با کارگران معدن طبس اعلام همبستگی کردند. بازنشستگان فولاد و معدن در تجمعاتشان اعلام کيفرخواست نمودند. بخش‌های مختلف بازنشستگان و کارگران نفت شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی در تجمعاتشان با شعارهای حمایتی بر محاکمه مسیبن این جنایت تأکید کردند و در این میان هشتگ #ایرانم\_اعتصاب داغ شد. زیر فشار چنین اعتراضاتی

بازپرس پرونده گفت: «این قصور متوجه مسئولان معدن است.» اما حکومت در پرتو فضای جنگ‌افروزی‌هایش و با وعده وعید دادن‌ها کوشید موضوع حاشیه‌ای شود و باز این کارگران معدن طبس هستند که سخن می‌گویند. محمد بهمنی از اینکه هیچ رسیدگی‌ای به این وضعیت نشده و خود مشکل نفس‌تنگی و عصبی پیدا کرده است و رئیس معدن هم پیدایش نیست، می‌گوید: تأمین اجتماعی ۷ میلیون می‌دهد، من با ۷ میلیون به عنوان سرپرست خانواده چگونه هزینه‌ها را تأمین کنم؟ او همچنین می‌گوید: «با خانواده‌های از دست رفتگان صحبت شده است. با دیگر کارگران هم صحبتی درباره خانه نشده است. گفته‌اند فوت شدگانی که زمین یا خانه نداشتند، خانه دار می‌شوند.» با اعتراضات سراسری جلوی این جنایات را باید گرفت و درب معادن مرگ‌آفرین را با گل بگیریم. کارگران معدن طبس دادخواه‌اند. #ایرانم\_اعتصاب (مندرج در ژورنال شماره ۸۶۵)

که بدلیل عدم تمدید قرارداد خود از شدت خشم دست به خودکشی زده و جانش را از دست داد، با خانواده وی و کارگران نیشکر هفت تپه اعلام همبستگی نموده و بر پیگیری مسیبن این جنایت تأکید کردند.

- بازنشستگان فولاد همچون هفته‌های گذشته در اهواز تجمع کردند و پیگیری مطالبات پاسخ‌نگرفته خود شدند.

### شنبه ۲۱ مهر

- کارگران آبنای ایزه در دوازدهمین روز اعتراض خود بدلیل عدم پرداخت حقوق سه ماه گذشته و معوقات مزدی شان از سال ۱۴۰۰، دست به اعتصاب و تجمع زدند. این کارگران مبلغی بالغ بر ۳۰۰ میلیون تومان طلب عقب افتاده دارند.

- بنا بر اخبار منتشر شده، یکی از کارگران فصلی نیشکر هفت تپه به نام فالح سعدی که بدلیل عدم تمدید قرارداد خود و از شدت خشم دست به خودکشی زده بود، جان خود را از دست داد. این موضوع موجب خشم بسیار کارگران شده است. درگذشت او را به خانواده اش، به کارگران نیشکر هفت تپه و به همگان تسلیت می‌گوییم. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه ضمن گزارش این خیر خواستار پیگرد مسیبن این واقعه شد.

### جمعه ۲۰ مهر

- سخنگوی اورژانس دانشگاه علوم پزشکی اهواز از مصدوم شدن سه مرد جوان در پی حادثه انفجار در یک معدن سنگ در کیلومتر ۲۰ محور هفتکل-باغملک خبر داده است. این کارگران ۲۴، ۲۶، و ۳۵ سال سن دارند و به بیمارستان مادر رامهرمز منتقل شده‌اند. بدین ترتیب بار دیگر کارفرمایان در معدنی دیگر جنایت آفریدند. با اعتراض سراسری جلوی این جنایات آشکار را باید گرفت. واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ۲۷ مهر ۱۴۰۳، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۴.

از صفحه ۱۲

## از خوزستان خبر می‌رسد...

### سه شنبه ۲۴ مهر

- بنا بر گزارشات منتشر شده، گارد حفاظت زندان مرکزی اهواز (شیبان) سه زندانی سیاسی محکوم به اعدام، علی مجدم، معین خنفری و محمدرضا مقدم را برای اجرای حکم اعدام به انفرادی زندان سپیدار منتقل کرده است. همچنین عدنان غیبشوی (موسوی) چهارمین زندانی سیاسی در اهواز به سلول انفرادی منتقل شد. به نجات جانسان بشتابیم. پیشتر در روز ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۱، شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز علی مجدم، حبیب دریس، سالم موسوی، محمدرضا مقدم، عدنان موسوی و معین خنفری را به اتهام محاربه به اعدام محکوم کرده بود. قاضی ادیبی مهر، رئیس شعبه ۴ دادگاه انقلاب شخصا در زندان شیبان حکم اعدام را ابلاغ کرد. شماری از خانواده‌های این زندانیان از جمله همسر و فرزند علی مجدم را برای تحت فشار گذاشتن او بازداشت کردند و بیش از ۶ ماه او را در سلول انفرادی نگه داشتند. نهایتاً پس از انتشار اعترافات فرزند و همسرش را آزاد کردند.

### دوشنبه ۲۳ مهر

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود در اهواز تجمع و راهپیمایی کردند و با شعارهای اعتراض علیه فقر و بی‌تأمین و بساط دزد سالار حاکم و سرکوبگری‌های حکومت پیگیر مطالباتشان شدند.

### یکشنبه ۲۲ مهر

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه اعتراضات سراسری یکشنبه‌های خود در شهرهای اهواز و شوش تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفت تپه جمع شده و دست به راهپیمایی زدند و در تجمع خود ضمن اعلام خوشحالی از لغو حکم اعدام شریفه محمدی، بر آزادی فوری و بدون قید و شرط وی تأکید کردند. همچنین با ابراز تأسف از جان باختن فالح سعدی از کارگران فصلی نیشکر هفت تپه



## دو کارگر مصدوم آتش سوزی پالایشگاه شوستر جان باختند

بیمارستانی در شوستر تحت مداوا قرار گرفتند.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی خوزستان می‌گوید که «دو نفر از

مصدومان سوختگی حدود ۱۰۰ درصد و ۹۰ درصدی داشتند و بسیار بدحال بودند و شرایط ناپایداری داشتند. همکاران متخصص و فوق تخصص مختلف این مصدومان را ویزیت کردند اما با توجه به اینکه وضعیت بیماران ناپایدار بود امکان نجات آن‌ها نزدیک به صفر بود.»

علیرضا نجفی می‌گوید مصدوم دیگر این انفجار هم که زیر ۴۰ سال سن و ۳۶ درصد سوختگی داشت با وضعیت پایدار و هوشیار و با رضایت شخصی برای ادامه درمان، ترخیص شد. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

دو کارگر مصدوم انفجار پالایشگاه پارس پترو شوستر روز جمعه ۲۷ مهرماه در بیمارستان طالقانی اهواز جان باختند. خبرگزاری ایسنا روز شنبه ۲۸ مهرماه به نقل از علیرضا نجفی، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز این خبر را اعلام کرد.

براساس این خبر، دو کارگر بستری در بیمارستان طالقانی اهواز که ۳۷ و ۳۹ سال سن داشتند ظهر روز جمعه، ۲۷ مهرماه جان خود را از دست دادند.

پالایشگاه پارس پتروشوشتر روز ۲۴ مهرماه دچار انفجار و آتش سوزی شد. در این حادثه ۷ نفر از کارگران پالایشگاه مصدوم شدند. فرماندار شوستر روز بعد اعلام کرد که دلیل این انفجار رعایت نکردن مسائل ایمنی و «سوخت‌گیری نایمن ماشین حمل سوخت» بود.

سه مصدوم این انفجار که دچار سوختگی شدیدتر شده بودند همان روز به بیمارستان سوانح و سوختگی طالقانی اهواز منتقل شدند. چهار مصدوم دیگر هم در



## جنایت کاری در پالایشگاه پارس پترو شوستر

### سیاوش آذری

سه‌شنبه شب آتش سوزی در پالایشگاه پارس پترو شوستر موجب مصدومیت شش کارگر شد. حال سه تن از مصدومین وخیم گزارش شده که هم‌اکنون در بیمارستان سوانح سوختگی طالقانی اهواز تحت درمان قرار دارند. فرماندار شوستر در مصاحبه با ایلنا ادعا کرد که «دلیل اصلی این حادثه، عدم رعایت ضوابط ایمنی در هنگام سوخت‌گیری خودروی حمل سوخت بوده است.»

«سوانح کاری» جزئی جدایی‌ناپذیر از فرایند تولید در سیستم سرمایه‌داری هستند. برای سرمایه‌دار آنچه اصولاً ارزشمند است پول و سود است و جان کارگر تنها تا آنجایی که استمرار فرایند تولید را تضمین کند وارد محاسبات می‌گردد. از جمله مهم‌ترین علل بروز حوادث در محیط‌های کار می‌توان از عدم استفاده از سیستم‌های با استاندارد بالای ایمنی مانند سیستم‌های هشداردهنده گاز متان در معادن زغال‌سنگ و یا سیستم‌های ایمنی در صنعت ساخت‌وساز، طولانی‌بودن ساعات کاری و شدت کار و قرارگرفتن کارگران در معرض مواد شیمیایی مورد استفاده در فرایند تولید مانند سیانور در فرایند استخراج طلا نام برد. یکی از شگردهای سرمایه‌داران و کارفرمایان برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سود، کاهش هزینه‌های معطوف به ایمنی کار و طولانی‌تر کردن ساعات کاری و در مقابل متهم کردن کارگران به عدم رعایت ضوابط ایمنی است. به این معنی «سوانح کاری» جنایات کاری هستند.

با این همه، به یمن بیش از سه قرن مبارزه پیوسته طبقه کارگر در سرتاسر جهان کارگران قادر به تحمیل برخی قوانین در راستای بهبود شرایط کار و ارتقا ایمنی محیط کار و حفظ جان و سلامتی کارگران در برخی کشورها گشته‌اند. اما در ایران تحت سیطره جمهوری اسلامی مبتنی بر اقتصاد دزدسالار و مافیایی حتی همین قوانین و حداقل‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند. خدای سرمایه‌داری اسلامی و نمایندگان زمینی آن از جمله آخوندهای میلیاردی، رؤسای بنگاه‌های خصولتی و پاسدار میلیاردرها و آقازاده‌ها برای جان و سلامتی کارگران پیشیزی ارزش قائل نیستند. از این رو جمهوری اسلامی دارای یکی از بالاترین آمار جنایات کاری و متعاقب آن مصدومیت، معلولیت و مرگ کارگران در جهان است باید پرچم مطالبه بهبود ایمنی در محیط کار و کاهش ساعات کاری و وضع و اعمال قوانین در راستای حفظ جان و سلامتی کارگران را در کنار دیگر مطالبات معیشتی و رفاهی خود برافرازیم. وضع چنین مطالباتی عامل مهمی در بسیج و پیشبرد مبارزه کارگران تا سرنگونی رژیم اسلامی است. (مندرج در ژورنال شماره ۸۶۳)

## دوشنبه ۳۰ مهر: تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

تاکید کرده و شعر میدادند: «نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت»، «تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشیم»، «فقط کف خیابون بدست میاد حقمون»، «سهامدار عمده حق ما ما را خورده»، بنیاد تعاون حق ماها را خورده»، «شرکت شده صد پاره، بخور بخور تو کاره»،

بدین ترتیب بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود کل بساط چپاول و دزدسالار حاکم را به چالش کشیده و پیگیر مطالباتشان شدند.

ستاد اجرایی فرمان امام و تعاون سپاه پاسداران مالکیت شرکت مخابرات ایران را در تصاحب دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳۰ مهر ۱۴۰۳، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۴

امروز ۳۰ مهر بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های دیگر در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالباتشان و برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند و در جاهایی چون اهواز و کرمانشاه دست به راهپیمایی زدند. اعتراض آنها به گرانیها و وضع بد معیشتی و بساط چپاول و دزدی حاکم است. افزایش حقوقها، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و بساط سرکوبگریها از جمله خواستههای سراسری بازنشستگان است. بازنشستگان مخابرات همچنین به عدم اجرای تعهدات آیین نامه ۸۹/۲۴ و به روز نشدن برخی مزایای شغلی خود اعتراض دارند. تجمعات بازنشستگان مخابرات در این روز از جمله در شهرهایی چون رشت، بیجار، اهواز، کرمانشاه، ایلام، تبریز، برگزار شدند.

بازنشستگان مخابرات در شعارهای اعتراضی خود با تاکید بر اجرای آیین نامه که میتواند اندک بهبودی در وضع بد معیشتی شان ایجاد کند به عنوان حق مسلم خود